

صاحب امتیاز: دیر سردیر و گزین
مجله اداره
تهران: سه راه سیروس
نشانی تلگرافی: ایزد ازل

ایران

شماره ۱۰۰ ریال
اشترک
اداره ورثه و اصلاح و درج مقالات
وارده مضار است
تک شماره ۲ ریال

سال دوم شماره ۴۴ روزهای پنجشنبه منتشر میشود ۲۹ آذر ۱۳۲۹ طبع ۵۷۰۸

جان صدها کودک بیگناه در خطر است در حالیکه صدها هزار ریال خرج گلکاری مقبره مرگگان میکنند!

از مشاهده اینکه در استان اتحاد واقع در خیابان سیروس بمبلی آمده است این است. صدها زبانی زده ش. آموزان دارای لباسهای آبی و نارنجی و سرو صورتی تا بزرگ بودند. چهره های رنگ پریده و بدنهای لاغر آنها باموهای زولیده و لباسهای کتیف و زده که نوبه ای از فقر و بزدان و اطافهای از بی در رفته بایستیکنهای شکسته و بی رنگ یک منظره میدهد.

البته کثافت و نامرتبی وضع لباس و بیکی دانش آموزان از بیسی میلاتی خانواده ها و عدم توجه آنها بوظایف خانوادگی است. شاید هم از فقر و بیچارگی است که دامنگیر اکثریت ملت ایران شده است.

مسئولیت نظافت دانش آموزان و مرتب بودن لباس آنها از عهده اولیای دبستان خارج است لفظ وظیفه تلک و رسیدگی بعهده آموزگاران است. عمل بان را بایستی بدروم و ارقام نماید. اغلب دانش آموزان مبتلا بترشح و کجلی هستند. بدون رعایت بصرهیز، کودکان مبتلا و سالم بهاری یکدیگر ایستادند. کترین توجهی برای جدا کردن مبتلایان از سالمندان است. معلوم نیست پزشکی که از طرف وزارت فرهنگ نامور رسیدگی ببهداشت مدارس است چگونه باین دبستان سرکشی می کند؟ آیا قدم رنجهای فرموده اند که ساکنین این مائمه خانه را هم از نزدیک به بینند؟ آیا در پیرو انجام امور دیگر این وظیفه وجدانی و اخلاقی هم بسدست < فورمالیته > سپرده شده است؟ حال اگر در اثر افتاد و اعتراض لرزا هم از این به بعد پزشکی بدبستان رسیدگی کند چه خواهد کرد؟ اول اقدایی که بمبلی خواهد آمد نیست که نورآبادش. آموزان مریض و مبتلا از دبستان بیرون کنند.

بیرون کردن آنها بیجا است ولی بایک شرط اساسی. یعنی اگر آنها را از دبستان راندند. محل دیگری باشد که آنها را برای معالجه بپذیرد. اینک این منت اطفال معصوم هم برخیل کودکان و بلان اضافه شوند. بدبخته بزرگخلاف انتظار ما هنوز مرجعی وجود ندارد که بقیه در صفحه ۳

اهانت بیهودیان ایران.. برای جلوگیری از اجرای طرح تقسیم فلسطین!

در ظرف چند روز اخیر از اهلایان و برخی از شهرهای دیگر ایران تلگراف مایلی بنا رسیده است. مضمون بر این که صده ای از ماجراجویان و فتنه طلبان، دسته ای از نابینایان و جاهلان که از هر فرصتی برای ابراز دشمنی خویش نسبت بایران و لطمه زدن به حیثیت مبین ما در نظر بیگانگان استفاده مینمایند موضوع تقسیم فلسطین را بهانه قرار داده و با شروع بشهرتکات اهلانه بر ضد کلیت ایران میخوانند همدردی خویش را نسبت بمغالین اجرای طرح تقسیم فلسطین ابراز دارند.

روزنامه های ملی و روشن فکر ایران قبل از اینکه مابین موضوع بپردازیم جواب از من آشوب طلبان و دشمنان حقیقی ایران را داده و بصدای بلند به آنان اخطار کرده اند که بیهوده مرض خود بزند زیرا مواج با قوای مسلح دولت خواهند شد و تیرشان بطور قطع بسنگ خواهد خورد. با آنچه ما لازم میدانیم که در این شماره این موضوع اساس را بعنوان یک بحث منطقی و یک درس اخلاقی و اجتماعی جدی مورد مطالعه قرار دهیم و از ملت ایران و موطن و طبقه روشنگر و وطن پرست خصوصاً که به اعتدالی نام ایران و حفظ حیثیت بین المللی آن علاقه فراوان دارند در این باره تقاضای داوری کنیم.

البته ما در این مقاله راجع باینکه آیا واقعا در مقابل تقسیم و رای یک سازمان بین المللی که بر طبق منشور ملت های متفق ایجاد گردیده است ابراز مخالفت و مقاومت عادلانه و منطقی است یا نه هیچ کاری نداریم زیرا قطعاً منشور ملت های متفق که بطیب خاطر از طرف اعضای سازمان ملل متفق بامضای رسیده است تکلیف این قضیه را چنانکه باید روشن ساخته است ولی میخواهیم در این مقاله این نکته را روشن کنیم که آیا شروع به تحریکاتی بر ضد یهودیان ایران به این بهانه که مجمع سازمان ملل متفق چرا به تقسیم فلسطین رای داده است حکایت از سخافت عقل و متهای کوتاه نظری و از همه مهمتر دشمنی با حیثیت بین المللی ایران نمی کند؟

یهودیان ایران که تحت لرای کشور بقیه در صفحه ۴

س. حبیب

در جبراً چه خبر بود؟ بوی خوشی به شام میرسد آیا میشود امیدوار بود؟

در اثر تلکرات و انتقادات بیابان ما و در نتیجه تمایلات مردم و مقتضیات وقت بالاخره جبراً خود را ناگزیر دید که توجیهی به موقعیت خویش و وظیفه سنگین اجتماعی خود بنماید. این توجیه بیابانی از مدتها پیش بمبلی آمد که تاکنون نتیجه ای بدست آمده باشد. از سالها پیش لزوم وجود تشکیلات وسیعتر و متناسباتی احساس میشد اشخاصی خیرخواه و اصلاح طلب مستقیم و غیر مستقیم جبراً را باین امر مهم متذکر میشدند ولی متناسبات معلوم نیست چه ملت و چرا حتی جواب مفنی هم بند کرات اشخاص نبودند. تا اینکه این روزنامه بحکم وظیفه مهم اجتماعی خود در حدود ممکنه

جبراً خود نیز متوجه تصور خویش شده و برای درک مقتضیات زمان و تشخیص راه صحیح اصلاحات بر باهویت خشکوییها بزده و ضرورت تحولاتی را در سازمان خود احساس نمود.

بنابراین در روز سه شنبه ۲۴ آذر ۲۶ دهمی از عده ای اشخاص و نمایندگان سایر انجمنهای ملی بمبلی آورد که در اطراف سازمان جدید جبراً متورنهایی شود. نمایندگان قانون خیرخواه، انجمن مافردا و بد، جبراً و درت جبراً و روزنامه ایران و سایر انجمنها در ساعت ۷ بداد ظهیر در دبیرستان اتحاد حضور بهم رساندند و جلسه مشورتی با حضور اعضای انجمن کلیدیان تشکیل گردید.

که خلاصه مذاکرات و تصمیمات آنها بدلا درج میشود. قبلاً آقای دکتر منتخب رئیس جبراً در اطراف سابق تشکیلات و نحوه کارهای آن و موانعی که در پیش بوده است و محل عدم موفقیت انجمنها در اجرای منویات مردم و لزوم اصلاحات دقیق و وجود سازمان صحیح متناسب با مقتضیات اجتماعی بیانات مفصلی ابراز کردند و از جمله چنین گفتند. < مقصود از این دعوت برای تشریک مساعی است که در امور اجتماعی موفقیت بیشتری حاصل شود. اکثریت بقیه در صفحه ۴

از حقیقت نترسید و نرنجید!

مشاهده نکرده باشد. هیلل شناسی یک تقویم عجیب قمری شمسی برای ملت یهود ترتیب داده و با قواعد پیچیده ریاضی طوری ایجاد نمود که ثابت و منظم نگاه داشته که علماء خاور زمین را خیره و متعجب ساخته است. در پی خلومو کپی رول هیتی دارد که گرچه باهیت مورد ائنان امروزی فرق مایلی دارد بادر نظر گرفتن عصری که در آن نوشته شده در مقام خود ممتاز است. حال فرض کنید ما بخواهیم این علماء را بدرجه انبیا برساییم و گفته های ایشانرا گفته خدا بدانیم آیا گمان میکنید از ایشانرا خدمتی در حق آنها کرده ایم؟ خیر، برعکس تمام آنها را بطوریکه در مقدمه ذکر شد تزلزل داده و قوای ابتکار و تصرف و تحقیق را از ایشان سلب نموده ایم.

دکتر بسیم ارجحیس

از تحولات جبری، باید نفع جامعه استفاده کرد

از درمطلب که در مقدم تصور کردم خانم یکی از نو نندان مشهور است ظاهری آراسته و وضع مرتب داشت و برخلاف آنچه می بینیم و می شنویم سر و رویش مرتب و نظیف بود. با گرمی تمام سلام کرد و نشست. خوب حرف می زد و در اداب مباحثت ورزیده بود. مطلقاً مریض بود. پس از آنکه گزارش کسالت او را داد خواستم بچه را معاینه کنم. با کمال خوشرویی بچه را روی تخت خواباندم. من در تمام جزئیات حرکات او دقیق بودم. دیدم بچه را با نهایت سلیقه در قنداقان پیچیده است. با آنکه بچه تب داشت با آن حال با نگاه ملنگر و خود لبخندهای مادر را جواب می داد.

بچه سالمی بود. خوب پرورش یافته بود. معلوم بود پرستارش منتها درجه دقت را برای پرورش جگر گوشه خود بکار برده است. برخلاف انتظار بچه تمیز و آراسته ای بود. در سروروی بچه دقیق شدم کترین اثری از آلودگی نیافتم. در ذهن گفتم ای کاش طوری بود که همه مادران بوظیفه مقدس خود آشنا شوند و مانند این خانم باروح که اکثر نو نندان بیادشندنا از طبقه متوسط است بتوانند در تاهین زندگانی خانوادهم بخصوص پرستاری و تربیت اطفال خود بکوشند. پرسیدم پدرش چگونه است؟ گفت دوسر گذر کش دوزی میکند.

این جواب حس کنجکاری مرا برانگیخت تا آنجا که دست از لبه نوشتن برداشتم و با نگاه تجریدی در قیافه این خانم دقیق شدم. از این حرکت غیرمنتظره من متعجب شدم و چند لحظه ای سکوت برقرار گردید. و قفسی به تعجب من پی بردگفت < آقای دکتر بچه نگاه میکنید؟ > اوراستی گفتم. پدر بچه بیته دوز بود. گفتم نگاه نکنیم بلکه بی بروا بگویم از حسن سلیقه و انجام وظیفه مادری شما در شکونم. مگر در آمد شوهر شما قدر است. دیدم با خوشسردی تمام گفتم. < من شریک زلد گای شوهرم هستم. وظیفه اشترای خود را تا آنجا که ممکن است ادا میکنم. خوشبختی شوهرم خوشبختی بچه و خود من است. مگر هر که از طبقه اغنیاء نبود باید از تنمات زلد گای معصوم باشد >

آیا بسیم سرخ بدست چلاق عیب است؟ بقیه در صفحه (۲)

دکتر کهن

نام فایون با افلاطون یهودی را در فلسفه و الهیات و شهرت میبویید بزرگ در بار صلاح الدین ایوبی و در مقام کتر کسی است که تاریخ عالم را ورق زده و

بهداشتی

ویتامین ها

کشف میکربها بوسیله باستور معروف باعث شد که مردم بیشتر غذاهای خود را پخته و استریلر نهانند و با از کشورها و خوراکیهای جوشیده تغذیه کنند. در صورتیکه در اثر نبودن موه های خام و پخته بیماری های بروز میکنند که پس از تحقیقات زیاد بی علت اصلی آن بردند و متوجه شدند که در طبیعت لودی است که مقدار خوراک آنها ولو بقدر خیلی کم برای رشد او من ضروریست و صحت و سلامتی بدن انسان منوط به خوردن آنها است این مواد را ویتامین نامیدند که باید از خارج وارد بدن انسان شود و بدن یهودی خود نمیتواند آنها را تولید نماید و برای ادامه حیات نهایت ضرورت را دارد و فقدان هر یک از آنها ایجاد بیماریهای مخصوص را در انسان و حیوان میکند.

< لودیک > در ۱۹۱۲ ثابت کرد که در پوست حیوانات ماده است که مقدار خیلی کم از بعضی از بیماریها را در مار، بگنه و پس از آن تصانیات لراوان دید که این مواد بیشتر در پوست حیوانات و مغز آبجو و مری کباب وجود دارد و آنها را بنام ویتامین های A و B و C نامید که شناسایی هر یک از آنها لازم است. امروزه شبیهت ها توانستند و بنامین ها را بطور خالصی منسوخاً بسازند یعنی از این ویتامین ها مانند A و D در نتیجه خوراکیهای حیوانی و چربی بدن انسان میسند که مبنای آنها از نباتاتی است که بمصرف تغذیه حیوانات میسرند مثلاً در اثر خوردن بقیه در صفحه ۲

دکتر رخسار (ایمره سابق)

رشد و نمو اطفال در یک سال اول عمر

در موفت تولد وزن یک نوزاد سالم بطور متوسط سه الی ۳۲۷۵ کیلوگرام میباشد در چند روز اول تولد چون عادت بر اینست که بمطال مقدار کثیری شیر داده میشود و متناسباتی از آب بدن طلال از راه پوست و ریه تبخیر میگردد در نتیجه در روز دهم تولد وزن بچه معادل روز اول تولد وی خواهد بود. در پنج ماه اول زندگی استریش ماهانه وزن طلال در حدود ۲۰۰ گرم و در هفت ماه بقیه سال افزایش وزن بطور متوسط نصف مقدار فون یعنی ۳۵۰ گرم میباشد با این حساب وزن بچه در



راب عزیزیل در جزیره قبرس برای مشاهده وضع یهودیان بازداشت شده

ترجمه العازار که صدق

اخبار فلسطین

پیشانی صنعت الماس تراشی در فلسطین... اخبار فلسطین... صادرات امریکا به فلسطین... برترین رقم صادرات امریکا...

رشد و نمو اطفال

بچه از سنه اول... مقادیر گفته شده کمتر یا زیاد تر باشد...

دلیل بر ناتوانی وی است احتیاج به شش اطفال را باید بزرگ تشخیص داد... رشد و نمو اطفال...

خبر داخله

مصاحبه با شهردار اهلبان... در نتیجه ملائمتی که مدیران روز...

مصاحبه با شهردار اهلبان... در نتیجه ملائمتی که مدیران روز... خبر داخله...

از حقیقت ترسیدونر نچید

بچه از سنه اول... از این بچه بترسید که اگر متفکر باشیم...

از این بچه بترسید که اگر متفکر باشیم... از حقیقت ترسیدونر نچید...

وینامین ها

بچه از سنه اول... موجب در بین جوانان وینامین A...

موجب در بین جوانان وینامین A... وینامین ها...

از نوجوانان جبری باید بفرغ جامعه استفاده کرد

بقیه از جامعه اول... سرحدات لجه او بیشتر مرا متعبر ساخت...

سرحدات لجه او بیشتر مرا متعبر ساخت... از نوجوانان جبری باید بفرغ جامعه استفاده کرد...

ضایعه اسفناک

در چند روز پیش شهر تهران یکی از فرزندان جوان خود مرحوم منوچهر...

در چند روز پیش شهر تهران یکی از فرزندان جوان خود مرحوم منوچهر... ضایعه اسفناک...

دکتر اختری زاد با معالجه چندین ساله

نه فقط امراض مقاربتی بلکه بیماریهای داخلی را هم با داروهای جدید معالجه میکند... دکتر اختری زاد...

علاج قطعی مالاریا

مرکز فروش داروخانه باستان سه راه طرشت... علاج قطعی مالاریا...

قرص ورمیفور

قرص ورمیفور... ش آ ۰ - ۱۵۷

جان صدها کو دک ینگاه در خپلر است

په از صلحه اول هرچه زودتر و بهش دانش آموزان مبتلا را حتمت ممالیه قرار دهمو آتبارا بدستان باز گردانم.

تکت ای دیگر که قابل توجه است اینست بنا بر عقیده آقای دکتر کهن مدبر این روزنامه، همدان دانش آموزان مبتلا بامراض گوناگون بیشتر از همدان دانش آموزان سالم است و باینسان افراد سالم را از مبتلابان دور کرد.

اگر بنا باشد شاگردان مریش را بپهاله جوار گیری از سرایت مریش بدیکران از دبستان برانند باینسان اکثریت آنها را خارج کنند.

دو بار و کف اطفا آنها مرطوب است بطوریکه خیلی بالاتر از آمدن بویار را رطوبت فرا گرفته است. با چنین وضعی این کودکان لاجرم لافرد در موقع استنشاق روی لبیکتهای شکسته بدیوار مرطوب تکیه میزنند.

در واقع با این وضع هوارش مریماتیم هم بر سایر هوارش دیگر باید مرید شود و باین ترتیب نسل آینده اگر از چنگال گرمسنگی و لفر خاروا ده ها هارهای بافتند بچنگ امراض گوناگونی که بجای تعلیم تربیت حاصل نمیشود در آن دبستان است سپرده شود.

وقتی که از معایب و لواقم میگویم هدهای خوش بینان منتهم بر ما براد میگردند و میگویند که دما دارای تا بهی درخشان هستیم نباید معایب خود را متذکر شویم بلکه باینسان همیشه از هنرهای خود بگویم.

در زمانیکه تمدن با کمال سرعت پیش میروید و ملل جهان میکوشند در اثر مجاهدت و از خود گذشتگی دارای افتخاراتی شوند بسیار مذسک است که ما تکیه باینستورهای پوسیده تاریخی نماییم و بدون ابراز لبابت و فعالیت بگویم در گذشته ما چنان بودیم و چنین کردیم و مادارای افتخارات تاریخی هستیم تاریخ و وقایع گذشته بجای خود محفوظ ولی آبا و اجداد تاریخ بدون اقدام و عمل امروزی برای گروه بیچارگان و خیل درماندگان، تعلیم و تربیت و نان و لباس و بهداشت میشوید اگر معایب و لواقم موجود در اجتماع و بکارگری ترویج و هوار فریبان و لفر رستوران برای اطلاع مردم متذکر نشویم و برای جلوگیری از آنها توجه مردم دردمند را جلب نکنیم چگونه میتوان به آینده و اصلاحات آن امیدوار بود که کدام نیروی غیرایست که بدون فداکاری و مجاهدت خود ما دست از آستین برآورد و خرابیهای ما را آباد کند با اذعان این همدان دانش آموز بنگانه و از خطر مریش نجات بخشد.

مصدق آنرا اینک استلال همان اشخاصی که ممبران کنگام سفایر هستند و میکوشند و با کارهای معایب و از نظر واقع بین مردم بیوشانند خود دست بکارهای غیرتند که از لحاظ نارسائی کمتر از افعال خرابکاران نیست.

در اینتوسع که مردم زنده دار بدینترتیب نفوق زده گی خود پیشی نان و لباس و مینر و وسایل فرهنگی بهداشت محروم هستند ننان شخص تروند برای آموزش روح فلان مرده صدها هزار بار خرج کلکاری مقبره ای میکنند. اگر سری به جل قبرستان زده بشاید قهرا بدید اید که چند ساعتان میجا و یک باغ خوش منظره که اطراف آن مزایک شده و بارنده های زیبا مزین شده است در میان قبرهای وقت انگیز دیگر خرد نمایی میکنند.

این منظره یک لواء کوچکی از کارهای عام المنفعه تروند انرا است که همیشه سعی میکنند در نیت هنر این فریبنده کبریا خردا بر خ مردم بکشند و چنین وارد کنند که زنده گی سابرین در سایه وجود آنها است.

بلی حکمت تروند اندها مسا اینست چندین ده هزار تومان خرج مقبره های مردگان میکنند در حالیکه دانش آموزان مادر دبستانهای ویران در آغوش کثافت و مرض و در پناه سقه های دیوارهای خراب بسوی مرگ تدریجی با ناگهانی رهسپار هستند زمانیکه با نهادن میراد از مرده وانی به پیشی اجتماع را امرای میکنند پیورده است.

چنین منظره ننگین و شرم آور در جل چشم خود مشاهده میکنند. هزاران لوده بی همدان و ساد و بکار و افعال و راه جامعه خود می بینیم. میا یک هرج و مرج و بی نظمی لامحی را در محیط

جشن حنوکا

در گاه صناعتی یهودیان



پس از ظهر روز پنجشنبه از ساعت ۶ به از ظهر جشن باشکوهی مناسبت ایام حنوکا با حضور کلیه اعضاء کارگاه و والدین آنها در سالن کارگاه برگزار شد و بر آن قرار زبر اجرا گردید:

۱- اجرای نمایش و نغمه ای از سوی دیگران کلدان کلر زینت اطاق با هزینه یک گوشه از مقبره مرده شان چندین برابر خرج زنده گانی سالیانه صدها خانواده فقیر درآمده است.

۲- پیورده برای اظهار حقایق علم بدست دیگریم. غفلت و کوتاهی تروندان از اجرای وظایف وجدانی و اخلاقیان ما را متوجه این حقایق نموده است و اخلاقا اگر بزرگواران و اطهار آن می باشیم.

۳- چنانکه بارها در طی مطالب دیگر در این روزنامه وظایف افرادی باینست پیغامه گوشزد شده است باز هم ناچاریم تذکرات را تجدید نماییم.

۴- اشخاصیکه خود را از گرداب لغو منهدمی رها نموده اند تصور میکنند حسابشان با حساب سایرین جدا شده است و باینست دور از اجتماع بدون توجه بوظایف اجتماعی خود در تنم و تمیش بسربردند.

۵- وظایف تروندان در اجتماع چیست؟ همانطور که انتظار داریم بیک آموزگار یک طبیب یک شیاط یک کلاش و غیره وظایف اخلاقی و اجتماعی خود را از لحاظ توانایی معنوی و مادی خویش و از لحاظ حرفه ای که آنها را با اجتماع مربوط میکند خوب انجام دهند همانطور هم انتظار داریم تروندان ما وظایف خود را نسبت به جامعه ای که موجب تنم و بی لایزای آنها را فراهم کرده است انجام دهند.

۶- برای مودولین چه وظایفی میسر است؟ اینک بگویند با صرف نمستی از تول خود که از اجتماع بدست آورده اند قسمتی از بدینتهای اجتماعی را رفع کنند.

۷- اگر از نبرای این یک وظایف هم شاه خالی کنند پس چه سودی بجای جامعه خواهند داشت؟ آبی می توانند وجدان خود را رضی نمایند که موظف با انجام وظایفی در جامعه هستند.

۸- تروندان باید بدانند که رفتار و کردار خود آنها است که موجب رضایت ما و عیبهای دیگران میشود.

۹- مردم دارای فهم هستند کسی کم و بیش میتواند بزرگ حقایق ناال شود و اجتماع بطور کلی دارای شعور است و اشخاص میتوانند درست و دشمن خود را بشناسند.

۱۰- بهر چه وسیله انچنان از معرفت و فهم مردم جلو گیری کرد براض اینکستکه موفقیتی در اغفال افراد جامعه امیب غاصبین و هوار فریبان شده وقتنی و بسیار کم دوام است.

۱۱- بالاخره مردم کرسته و برهنه روزی بعلم فقر خود بی خواهند بود چنانکستکه امروز اکثر افراد مردم در تنخیم منافع خود و حقایق هوشیار شده اند لونه های هوشیاری نوده های مردم را طس رشم مخالفت اشغالگران و غارتگران میتوان همه روزه در مندرجات روزنامه ها خواند و از بلندگوی رادیوها شنید و در اغلب نقاط بچشم دید.

۱۲- تندن پیش میروید شرایط زندگی بشری عوض شده است نمیتوان موقعیهای کهنه را نگهداشت، خواهی نخواهی همه چیز در تحول و تغییر است باینست قدهای خود را با همتک پیشرفت جامعه برداشت باینست افعال و رفتار و تالیفات خود را با مقتضیات زمانه و نحوه پیشرفت اجتماعات وفق داد. باینست همه کارگران تمدن بسوی تکامل بود. همه چیز مال اجتماع و برای اجتماع است.

۱۳- باینست محصول اجتماع در راه ترقی اجتماع صرف شود. همه باید نسبت بتوانائی مادی و معنوی خود در بهبود اوضاع و کمک به پیشروی جامعه مؤثر باشیم نه اینکه هر کس هه رفاهان خود را بکمر خود ببندد و دور از دیگران راه دیگری پیش گیرد.

۱۴- تحولات اجتماعی باینست سبب پند گرفتن تروندان میشود قبن از اینکه سبیلی زمانه و تاز بانه سیر جبری تاریخ آنها را هوشیار کند خود بوظایف خود آشنا شوند و اظهار تمایل کنند و با اجرای آن اقدام نمایند.

۱۵- هزاران فرد از مردم جامعه ما در کمال فقر و محرومیت بسر میبرند همه ما در نجات آنها وظایف دار هستیم مخصوصا مودولین ما. امروز ما میگوئیم اسر گوش

قیام حشونائی

(قرن دوم پیش از میلاد)

بقیه از شماره پیش

یهودامکابی: پس از وفات متینا قشوی مرکب از شش هزار نفر تحت فرماندهی یهودا که لب و پرچم مکابی داشت در آمد و یهودا که جوانی دلیر و با تدبیر بود با همان هده مدد خود سرتاسر کشور یهود را از نیروی اجانب پاک کرد آپولونیوس فرمانده سامره ما دست نیرومندی از سربازان خود بجلو گیری اوشتان ولی قشوش از هم گسیخته منهدم گردید و خود نیز بدست یهودا کشته شد. یهودا ششیر او را برداشته و در سایر کار و راهها آنرا بکار میبرد کسی شد دیگری از سرداران سلوکی بقباله وی آمد و او هم گرفتار همان سر نوشت آپولونیوس گردید (۱۶۶)

۱- تطبیق کوس چون خبر این شکست بهایی را شنیدیم مصمم شدیم که کشور یهودا و یهودانرا بیکباره نابود کند تا از غلغله آنها آسود خاطر گردد لیکن چون ایران و ارمنستانهم از پرداخت مالیات شاه خالی کرده بودند آپولونیوس کوس مجبور شد نیروی خود را بدو قسمت کرده یک قسمت را بفرماندهی لیزریان بکشور یهودا و قسمت دیگر را برای سرکوبی ایران اصرام نماید در اینتوقع اشک اول ابرار را از تسلط سلسله سلوکی خارج کرده بود.

۲- لیزریان با قشوی مرکب از چهل هزار پیاده و ۷۰۰ سوار بسوی اورشلیم آمد در این جنگ دو لفر دیگر از سرداران سوزیه نیکابور و کورچیا شرکت داشتند یهودا چون از عظمت نیروی دشمن آگاه شد همه پیروان خود را در میصبه کرد آورده همه آنها روزه گرفته و برای خدا دعا نمودند.

۳- یهودا به آیین و دستورات تورات بسیار اهمیت میداد بنا بر اینست پیش از آغاز حمله به پیروان خود گفت: دهر که از شما تازه ازدواج کرده یا خانه ای بنا نهاده یا باغی غرس کرده است یا هر که اندکی ترس در دل دارد بپناه باز گردد بدینطریق بپیشی از پیروانش باقی مانده و یهودا با همان هده کم آماده مقابل با نیروی عظیم دشمن گردید.

۴- لیزریان بقدری به پیروزی خویش اطمینان داشت که بسیاری از پیورده لروشان را با یکسه مای زردیال قشون خود آورده تا اسرائیلی که از یهودا خواهد گرفت به آنها فروخته قسمتی از هزینه جنگ را تامین کند چنانکه یهودا یهود بود بوی خبر دادند که سردار سلوکی با ۵۰۰۰ نفر از مردان کارآزموده و هزاران سوار از قشون جدا شده است که وی را شیشه معاصره نمایند یهودا تصمیم جهورانه ای گرفت چون هوا تاریک شد قشون خود را از جای خود حرکت داده به پشت اردوی دشمن رفت.

۵- سردار سلوکی چون اردوی یهودانرا خالی دید بتصور اینکه از ترس بکوهستان فراری و متواری شده اند، بتعقیب آنها شتافت. یهودا مکابی خود را از پشت باردوی دشمن رسانید و آتراضه حریق نمود. سردار یونانی چون ببطب خویش آگاه شد خواست خود را بدون درنگ بارود. گاه و سنگر خویش برساند. لیکن چون مشاهده کرد که اردو گاهش طمه حریق شده و یهودیان بدیناوش هستند بسیار هراسان شد و بدون پایداری رو بفرار گذاشت یهودا آنها را دنبال کرد و چند هزار لورا را به خاک هلاک انگذند.

۶- بپس از غنایم هنگینی که از دشمن بر جای ماند یهودیان طلا و نقره ای را که برده لروشان با خود آورده بودند بچنگ آورده و بسیاری از خود آنها را نیز دستگیر کرده و ببردگی فروختند.

۷- یک قسمت از غنایم و قف خانواده های که گمان خود را در این جنگ از دست داده بودند و قسمت دیگر میان جنگجویان تقسیم گردید. روز بعد، روز شنبه و موقع آسایش و شادمانی بود.

۸- لیکن پیروزی بر قشون دشمن بر همه چیز ترجیح داشت. چون یهودا خبر یافت که در آن طرف رودخانه دشمن مشغول است از اردن عبور کرده و بقلب دشمن زد و آتراضه داد و اسلحه بسیاری بدست آورد و نیز از سرداران سلوکی که همواره در پی آزار یهودیان بودند در این جنگ کشته شدند، نیکابور ناخشناس با طلا که گریخت و بدینطریق اولین جنگ به پیروزی کامل یهودا مکابی خانه یافت.

۹- تطهیر معبد و جشن حنوکا سال بعد لیزریان خود را با نیروی معظم بمعله دیگر پرداخت و باز شکست خورد و بگریخت. لیکن شهر اورشلیم هنوز درست دشمن بود یهودا با قشون دلاور و پیروز خود شهر را متصرف شده وارد معبد مقدس گردید، معبد بزرگ و زیور و قربانگاهش را ویران و قربانگاه دیگری بجای آن ساخت و معبد را از لوت بیت برستان تطهیر کرد. جشن گشایش معبد در نهایت اہت و شادمانی در تاریخ (۲۵ کیساوسال ۱۶۶ ق.م) برپا گردید و هشت روز بطول انجامید (جشن حنوکا) بیاد کار پیروزی مکابی و تطهیر معبد مقرر شد که هر ساله در همان تاریخ جشنی برپا گردد ۱۱ گزینم در این جشن کنیساها و خانه های خود را چراغانی کنند.

۱۰- استقرار معبد و تقویت اوضاع حسادت مسابکات بود و ایرانیکیت لیکن یهودا که حسار معبد را مستحکم کرده بود از آنها باکی نداشت و بنا بر نیروی شکست ناپذیر خود بسزیمین اوم و عموون حمله برده آنها را سرکوبی کرد. دشمنان درصدد تلافی بر آمدند و یهودای را که در گالیل و ماوراء اردن بودند مورد آزار قرار دادند. دسته ای از آنها چند خانواده یهود را که بالغ بر ۲۰۰ نفر میشد از کشتی های خود بدربار ریختند.

۱۱- یهودا از آنها تلافی کرده بسیاری از خانه های ساحلی و چندین کشتی آنها را طمه حریق نمود. بالاخره شهر اورشلیم و اطراف آن کاملا از وجود دشمن پاک و آرامش در کشور یهود حکم فرما شد.

۱۲- ۲۵۰۰۰۰۰ ریال جایزه صندوق پس انداز ملی دو ملین و بانصد هزار ریال جایزه بین کسانی که تا پایان سال جاری حساب پس انداز داشته باشند بطورقرمه تقسیم خواهند نمود.

۱۳- جایزه اول آن ۲۰۰۰۰۰ ریال و سایر جوایز بزرگ آن بقرار دبل است:

۱۴- برای باز کردن حساب پس انداز ملی با پناه های شهری در تهران و بشبه ها با نمایندگی های بانک ملی ایران در شهرها و شهرستانها مراجعه و ثبت از پایان سال حساب پس انداز باز کنید. ۲۲۸ ۵-۳

آقای امیر کهن که در جشن حنوکا در ایامی قشوی خود در لاریان ذوق و شور انگاهای از خود نشان دادند

۱- پس از آن آقای امیر کهن که در جشن حنوکا در ایامی قشوی خود در لاریان ذوق و شور انگاهای از خود نشان دادند

۲- در ضمن سخنرانی در باره اهمیت جشن حنوکا علت روشن کردن چراغ حنوکا پیروزی ملت اسرائیل در تاریخ ایام مکابیا در ۲۲ قرن پیش و ایام حنوکا میباشد

۳- سخن راندند و صحبت با ایشان بوسیله آقای امیر کهن بپاسی ترجمه میشد.

۴- پس از اتمام صحبت آقای امیر کهن دو نمایش کبک جانب توجهی که بپس آن توسط امیر کهن نوشته شده بود بنام «هنر پیشه قلابی» در دو پرده بپیش نمایش گذارده شد.

۵- بازیکنان این نمایش عبارت بودند از: امیر کهن (لوئیسند پس) در رل هنر پیشه قلابی آبا لیا در رل مدیر و عرب در رل پیشخدمت.

۶- لکنه ای که مورد تمسین تماشاچیان قرار گرفت بود طرز حرکات و شیوه بازی کردن آقای امیر کهن بود بطوریکه از شروع نمایش تا اتمام آن کلیه حضار را بهتلمه خنده واداشت بعدیکه صدای خنده و کف زدن تماشاچیان مانع از این میشد که صحبتای این هنر پیشه کبک بگوش برسد.

۷- پس از اتمام نمایش بنا بخواهش حضار آقای امیر کهن مدیر روزنامه اسرائیل شروع سخنرانی کرده و پس از اظهار خوشحالی از تنظیم برنامه جانب توجه جشن چنین گفت:

۸- «من امشب کلیه افراد را هم از کوچک و بزرگ فرق دوسرور و شادی میبینم، نور امیدگی که از دیدن ان شواهران و برادران میدرخشد لشیای سالن را روشن کرده است نمونه بازی از آینده درخشان است ولی خواهران و برادران نباید فراموش کنند که قبل از همه چیز یک وظایف مهم و مسئولیت بزرگی بعهده دارند و آن توجیه به بهداشت و فرهنگ این جامعه خرابی می باشد زیرا وظایف ملی هر فردی است که قبل از هر کار دیگری جامعه را اصلاح و بخشیده با بتواند در امور دیگر موفقیت حاصل نموده دچار اشکال و موانعی نشود»

۹- در ضمن در اطراف انروم سخنرانی روزنامه اسرائیل که آینه افکار و انعکاس افعال جامعه اسرائیل ایران است و دعوت جوانان برای خدمت در این راه تذکراتی دادند. سخنرانی آقای امیر کهن با کف زدهای شدید حضار مخصوصا جوانان پایان یافت.

۱۰- ناگفته نماند که دوشیزه مروزی و آقای خوش لسان و حناساب برای تنظیم برنامه این جشن زحمات فراوان نموده شده بودند.

۱۱- دسته کلی بنسابت زحمات دوشیزه مروزی در موقع جریان جشن با ایشان داده شد.

۱۲- جشن باشکوه حنوکا در یک محیط گرم و صمیمانه ای با خواندن سرود ملی پایان یافت.

مقاله وارده دوشیزه: ژرفی ترقی یا اضحلال ما بدست خود ما است

تجدیل تکالیف اجتماعی خود و گوشزد و راه اصلاحات خودداری کنند تقریبا روزی روز بر مصائب و سختیها افزوده خواهد شد. در غیر آن بینی در صورت قبول مسئولیت و انجام آن مسلم رو بسعادت و ترقی خواهیم رفت.

اسیران

قل از داور هفتگی
گرچه م. حکیمی
ستارگان یهودی
را بشناسید
دروتی لامور
ستاره معروف هولووید



در سوالی د یو اوراس کاله ای پنام د جایک سرخ بود و لامور که دارای مو و چشمان سیاهی بود با رقص های ملیح خود مشتریان را سرگرم می کرد.

روزی د جایک صاحب کانه بیشتران خود اطلاع داد که لامور صاحب دختری شده است ولی خانها و آقایان مجددا از رقصهای او سنبستی خواهند شد.

اما مادر جوان چنین تصور نکرد و بگوید خود د دوروتی د بازمه میگفت.

«د دخترم تو بزله کی شریین تری موقی خواهی شد اردا اینبارا ترک میکنی»

تزدیک غروب موفیکه پدر از کار خود باز میگشت مادر گفت «د باب» (مخفف ابراهام) فردا این مکان را ترک میکنی و دیگر در اینجا نخرام رقصید.

دوروتی پس از خاسته تصمیمات اولیه از یک کارخانه فیلمبرداری درخواست شغل نمود. مدیر «د اداره ماکسیتل جیکوس» از مهارت خود سؤال کرد - این دختر جوان تازه وارد کیست؟ جوابداد - تنها اطلاعیه که راجع باودارم اورا «دوط» خطاب میکنند. مدیر گفت - همین کافیست و باو یک رلی برای بازی پیشنهاد کرد.

«ب. وانگ» د ژیسور، در چین رسیدگی بکارخانه، اشراف نمود - این خانم کارمند جدید کیست؟ جواب داده شد - دوشیزه لامور میباشد. ژیسور گفت -

از این دوشیزه درخواست میشود که فردا برای انقاد کنترات نامدر اداره حضور یابد.

مدیر کارخانه فیلمبرداری «نیو اور لانس» از «دوانگ» د ژیسور سؤال کرد - دوشیزه ای که در اطاق مجاور آنهاست چه پیشه مامع را با بازمه میخواند؟

جوابداد - این دوشیزه دوروتی لامور است که مخفف نامش «دوط» می باشد. مدیر بخانسی که منشی او بود گفت - این دوشیزه را برای یک هفته آزمایش دعوت نناید.

«دوط» در این آزمایش کاملا موفق شد و بعد برنامه موسیقی را در هر یک کرد، بزودی نظر کارگردانان هالیوود را بخود جلب نمود پس از آنکه در بازی منوچه استعداد طبیعی خود گردید در دست های موهومی شرکت نمود که منجر بفریب بیشتری گردید.

در سال ۱۹۳۱ «دوط» (دوشیزه) دوشیزگان «نیو اور لانس» شناخته شد در سورتریکه دختران این شهر از لحاظ زیبایی شهرت بزرگی دارند.

«دوط» در باره زندگی خودی گوید که «خود را با اندازه اد خوشبخت بدالم که کثر اشخاصی با من درجه بساتن روست» نام خانوادگی او مطابق قانونی هومرش «هواد» است و نام سر کومپکن «جون» میباشد. «دوط» در اکثر فیلمهای «داسارولک»

احانت یهودیان ایران

بقیه از صلحه اول
شاهنشاهی ایران در آمده اند و از قریبا پیش ایجاد آنان در این سرزمین بدیا آمده در این کشور جان سپرده اند و شاید از هر ده هزار تن آنان یک تن فلسطین را بدیده و کودکان آنان هم ندانند که فلسطین در کجا واقع شده است آیا در متولیت سازمان ملل متفق در موافقت با تقسیم فلسطین سهمی دارند؟

بر طبق قانون اساسی کلیه افراد ایرانی دارای حقوق یکسانی میباشد هر کسی که مرتکب کثرتین تندی و تجاوز نسبت با افراد ملت ایران ام از مسلمان و کلیسی و ارمنی و گبر و غیره گردد بر طبق مقررات قانون اساسی باید تعقیب و بیکار از افعال خویش برسد.

متجاوز از یک قرن و نیم است که اصول برادری و برابری و آزادی که پند از انقلاب کبیر فرانسه بمنزله هالی-ترین و گرابهاترین اصول جهان تلقی گردید از طرف کلیه ملت های متقدم در سروسره برنامه های اصلاحاتی قرار گرفت و قریبای متشددی است که بشر در راه حصول آزادی جانفشانی میکنند خون خود را بیدریغ برای آبیاری نهال آزادی نثار میکنند.

چه جویهای خون که در همین ایران و شاید در همین تهران برای جلوگیری از انجام سبکدستی و از میان بردن نظام استبداد و مبارزه با تعصب مذهبی روان گردیده است و چه نادان و ابلهان آن کسانیکه در دوره طلایی تمدن و بعد از بزرگترین کشتار تاریخ که تنها فلسفه وقوع آن جلوگیری از تمدنی به آزادی و حقوق افراد بود تصور میکنند که میتوان عقرب زمانه را به عقب برگرداند و با رجاله بازی و جاقو کشی آزادی و آرامش اقلیتی بلکه از زمان داریوش و کوروش جزو وطن پرست ترین و با وفاترین رعایای کشور ایران بشمار برده و تاریخ ایران موردی از بی توجهی آنان را به تاج و تخت سلطنت ایران نشان نمیدهد سلب کرد.

آن کورته نظران و ناپینایانیکه خیال می کنند دنیا بفرما بر میگردد تا آنان بتوانند شهوات حیوانی خویش را اطلایانند از این نکته کویا غافل هستند که در کشور های هرب مانند مصر و عراق و سوریه لبنان و غیره که بنا بر بنیادین فلسطین به اعراب مخالفت با تقسیم فلسطین به منتهای درجه شدت رسیده و روزی نیست که اعراب بر ضد این تقسیم به نمایشها و تظاهرات بزرگ نپردازند تمام هم دولت و ملت های عرب معروف بدان میگردد که مبادا موملی از سر پش بودی کم شود و یا با موال آنان کثرتین لطفی وارد آید و بدین طریق در وقت بل انتظار جهانیان بحقیقت آنان لکه دار گردد و از اقدامات خویش برای تامین حقوق اعراب نتیجه مکتوس بگیرند دولتهای عرب عموما ملی اعلاهیهایک به طرف چند روز اخیر منتشر ساخته اند هه این نکته را نباید کرده اند که حساب مبارزه در راه جلوگیری از طرح تقسیم فلسطین با حساب اقلیت های یهود که در کشور های مختلف عرب و مسلمان بسر می برند بکلی جدا است و هر گونه توهین و تمییز نسبت به اتباع یهودی، عقاید بین المللی را بیشتر با حق آنان برای بدست آوردن یک کانون ملی در فلسطین منوجه خواهد ساخت و خود به

(لباس دختران جزایر) که قسمتی از بدن زیبایش هویداست بازی می کند. ولی در فیلم هاییکه بدون «ساروک» بازی مینماید مهارت خود را از لحاظ استعداد بخوبی نشان میدهد.

فیلم هاییکه با مشارک دوروتی لامور بعرض نمایش گذاشته شده از اینقرار است:

«فلورینکل» «د هوراگان» «معبت در جنگل» «دودی بزرگ در ۱۹۳۸» «انتالی ادواردس» «آخرین قطار ازمادریه» «د سنه دالی» «در راه مار و کوه» «در راه الزاریار» «دورا سنگاپور» «در آینه لودیکی اورا» «دورا اومارینا» خواهیم دید

دور جبر آنچه خوب بود

بقیه از صلحه اول
مردم متوقع هستند که ما دارای تشکیلات و سبتری باشیم که بهتر بتوانیم بکارهای اجتماعی برسیم انجمن «دیت هلسر» بوده (انجمن مدرسه) که همیشه در مسیقه مالی بوده و کسر بودجه خود را از درآمد کاروانسرا یا قصابخانه تامین نمیکرده. بعد انجمن مزبور مسئول رسیدگی به کلیه کارهای اجتماعی شد و مجبور بود حتی بفراموشی توجه داشته باشد که من بعد بنام انجمن کلیمیان نامیده شد. این انجمن میدانند که باید دارای مسازش صنعتی و هنر های زیبا و درمانگاه باشد میدانند که باید برای رفاه و بیکارها کار ایجاد کنند. ولی اوضاع سیاسی و موانع اجتماعی مجال کافی بانجمن ندادند.

خالدوده اساسی برای این منظور بریزد و علاوه کارهای مهم و اساسی منوط بداشتن سرمایه است که منطمانه نداریم و برای اینکه این نواقص رفع شود باید دارای شالوده کافی باشیم. تاکنون بسیاری از کارها بدست انجمنهای دیگری انجام میگرفت ولی امروز مردم متوقع هستند که کلیه امور اجتماعی در یک جا تمرکز پیدا کند و این بایستی از روی یک برنامه صحیح صورت گیرد.

برای تهیه معارج امور تاکنون با اشکالاتی روبه رو بودیم از آن جمله مردم انتظار داشتند که ما هم کار کنیم جلسه تشکیل و متلاطم معارج یکی کسر بودجه ماهیانه مدرسه است.

میخواستیم زود تر بنییر سازمان دست زبیم بملت انتخابات بشوین افتاد اکنون که وضعیت قدری مساعد شده است خواستیم با کمک آقایانیکه اینجانشریف آورده اند تمام انجمنهای موجوده همه یکی شود و دارای مرکزیتی شوند تا بتوانیم امور لازمه را انجام دهیم و از کلیه عناصر مفید و شیرخواه در کارهای اجتماعی استفاده کنیم.

هر کسی که اسرائیل است بایستی با تالیف خوب و بد بودن اسرائیل را قبول کند و حاضر برای انجام خدمتی برای اصلاحات اجتماعی بشود.

مدارس ما همیشه کسر بودجه دارد عده زیادی بیکار و فقیر و مریض داریم مرتب از شهرستانها مردم بیچاره را میآورند آقایانیکه متشکک هستند بوضع مناسب کمک خود را می گیرند ولی آقایانیکه دارای استطاعت مالی هستند و میتوانند کمک کنند ششانه بپسند و استفاده ای از آنها نمیشود فقط عده معدودی از اهالی تهران هستند که زحمات را منتقل میکنند و برای رفع کسر بودجه مدارس و تهیه لباس و مساعدت مستندان کمک میکنند سایرین نیز بایستی در این امور دخالت کنند. هر کسی بایستی دارای کاری باشد که بر وجه جامعه اسرائیل ایران است که بتواند در مواقع ضروری برای رفع احتیاجات اجتماعی و ملی از همه کمک بگیریم مثلا درمانگاه لازم داریم چند سال است بواسطه نداشتن پول نیه کاره مانده با روزنامه اسرائیل برای تامین بودجه خود مجبور بودیم شب نشینی شد اگر سازمان ما صحیح باشد در موقع لزوم باین مراجع اجتماعی میتوانیم کمک کنیم که در خدمات خود معطل نشوند.

پس از بیانات آقای دکتر منتخب اشخاص دیگری بصریح توضیحاتی نمودند آقای دردشتی (نایبند کانون شیرخواه) انجمن کلیمیان اجنبی است رسمی لازم است قبلا تصمیم بگیرد بعد از اتمام دعوت کند تا ما بتوانیم تشریک سهامی نمایم آیا قبلا تصمیمی برای اصلاح تشکیلات گرفته اید؟

آقای گلشن - خیلی از اشخاص از ما تقدیمی کنند و می گویند هم ما زحمت بکشیم و پول بدهیم و هم کار کنیم. ما باید باهم مشورت کنیم و دیگران که جوانتر هستند عمل کنند.

آقای دردشتی - تمام مردم مایلند سازمان صحیحی درست شود اگر کسی از انجام وظیفه خودداری کرد باید مجبورش کرد.

آقای گلشن - اول باید ملاحظه کنیم انجمن لود که کار کسی با تصمیم ما مخالفت کرد و از اجرای وظیفه اجتماعی خود شانه خوار کرد چاره اورا بگیریم.

آقای شمس - (نایبند انجمن متولیات) چندین سال است که ما در این باره مطالعه کرده ایم یک پروگرام صحیح لازم است انجمن پنهانی نمیتواند تمام امور را بپوشد. انجمن فقط می تواند سایر دستجات دیگر را باهم متحد کند و یک هم آهنکی بین آنها

رای اشخاص بدست آورد
آقای دردشتی - اشخاصیکه در خارج از اجتماع هستند خیلی چیزها بلدان می خواهند و تکیه وارد شده می بینند اشکالات زیاد است ولی ما دارای تجربیاتی در کانون شیرخواه هستیم و میدانیم دعوت مردم برای رای دادن و انتخاب کردن چقدر زحمت دارد.

آقای نورافشان - از اظهارات آقای دکتر منتخب می بینم که همه کسی استعداد دارد و ما تا چهل بهر چهارم آمده ایم کسی نکتست شما چکاره هستید و برای چه آمده ایم و ما بشما اعتماد نداریم بلکه اشخاص ما از اظهار امتنان سوده و میکنند.

از موقع مرحوم واپس ما ما تجربه داریم پس از شش هفته که بوسایل متعدد و اعلان در روزنامه مردم را برای انتخاب حبرا دعوت کردیم فقط ۱۷۶ نفر رای دادند مردم استقبال نکردند.

باز هم رحمت پیدا این عده که بسا وجود مشکلات حاضر شده اند خدمت کنند و بهر ابایی ما برای مصالح ملی و پیشرفت امور اجتماعی زحمت میکشیم و منظور دیگری نداریم.

مادام کهنگنا - پس از اظهار امتنان از تشریف آوردن آقایان که در واقع کمکی بین و بسبب (کهنگنا) میکنند. از وقتیکه من آمدم تهران تقریباً چهار ماه بود و تکیه اسانسانم انجمن را شوالدم دیدم نوشته اشخاصیکه استعفا کنی نداده اند جزء انجمن هستند من از ۶۵ نفر دعوت کردم از این عده لفظهین عده بسیار کمی آمد این دعوت را سه مرتبه تجدید کردم لفظهین عده معین آمدند پس معلوم شد فقط این اشخاص هستند که می خواهند کار کنند و بیکار میمانند شوشخانه این انجمن در مدت ۱۸ ماه خدمت یکمرتبه هم از اکثریت نیافتاده است و همیشه حاضر بودند برای خدمت آقای دکتر منتخب - لازم است موضوعی را تذکر دم پس از رفتن آقای اریه چون نام من بدست آمد نایب رئیس در هیئت بسند لدا مرا مجبور کردند که انجمن را تاسیس کنم ولی راجع بعمل مرحوم راب نیم که بعضیها عقیده دارند آن مرحوم بیشتر تشکیل حبرا از روی انتخابات بود و آقای دکتر کیم این هم چند مرتبه شفا آورد روزنامه هم گفته اند تنها این عقیده مرحوم راب همین بود بلکه از ابتدای پیش خود انجمن این موضوع را در نظر داشته است و میخواسته است اقدام کند. فقط در آن موقع لازم شد از وجه مرحوم راب نیم استفاده شود که مردم برای رای دادن حاضر شوند.

آقای شمس برای تشکیل انجمن صحیح همانطور که قبلا عرض کردم لازم است از اشخاصیکه در ادارات هستند دعوت شود تا آنها از روی تخصصی که دارند طریقی برای این منظور تهیه کنند و بهترین وسیله اجرای تصمیمات انجمن و جلوگیری از مخالفت و سرپیچی مردم در دست داشتن کمیسیون متولیات است زیرا بالاخره گذر هر کسی یا هر شخصی از خانواده ای بی غیرت نخواهد افتاد اگر کسی اجزای مقررات انجمن یا انجام آنها را انجامی خود تعلف کرد یا وظیفه خود را اجرا ننسود کمیسیون متولیات از قیام کردن آن شخص در موقع مردن خودداری خواهد کرد وقتی از متولیین آن خانواده هم تا موقع انجام همه خود را بظاک سپردن جلو گیری کند. مسیو کهنگنا - لازم است هر یک از نمایندگان این انجمن با انجمن خود برود و با سایر افراد خود مشورت کنند و نتیجه ملاکرات را گزارش دهند.

آقای میون اریه - اگر بخواهیم از ما پروژه بگیریم مدت زیادی طول میکشد لازم است از اشخاصیکه برای کار حاضر هستند کمک بگیریم و جلسات فوق العاده تشکیل دهیم و نتیجه بگیریم.

آقای دردشتی - ما دارای سوابق کار هستیم هم تصمیمدار داریم هم دفتر اختیار شنا بگذاوریم.

پس از بیاناتی مصلح قرار شد از نمایندگان انجمنهای متحد در جلسه فوق العاده تشکیل شود که در اطراف تهیه طرح لازم برای شروع با اقدام عمل بردارند. پس اساسی عده ای بسادداشت شد و از آنها امضاء گرفته شد که در روز چهارم برای تشکیل جلسه حاضر شوند. باین ترتیب جلسه پرشوری که برای اول لیدن مرتبه ساکی از توجه سر جنبانار ما با همیت قدمیات بود در میان گله گزارها و تارقات و مدر خواهها شانه یافت. تا بعد به بنیام آقایانیکه متولیات است. امور شامل خواهد شد یا نه